

خشونت اکولوژیک علیه زنان تأملی حقوقی بر تأثیر تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳

علی مشهدی*^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۱

موسی کریمی^۲

DOI: [10.30497/FLJ.2022.242517.1765](https://doi.org/10.30497/FLJ.2022.242517.1765)

چکیده

یکی از اشکال پنهان خشونت علیه زنان، که با تخریب محیط‌زیست پیوند دارد، خشونت اکولوژیک است. خشونت اکولوژیک به گونه‌ای از خشونت اشاره دارد که در نتیجه بحران محیط‌زیست در جوامع شکل می‌گیرد. در این مقاله، تلاش شده است تا از چشم‌اندازی حقوقی، ضمن اشاره به نقش زنان در حفاظت از محیط‌زیست، اثرات تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان بررسی شود. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گردیده است. همچنان‌که تخریب محیط‌زیست می‌تواند زمینه‌ساز خشونت علیه زنان گردد، خشونت اکولوژیک علیه زنان نیز می‌تواند با از میدان به در بردن زنان به‌عنوان پاسداران محیط‌زیست و منابع طبیعی، موجب تخریب جدی‌تر آنها شود. با وجود شیوع این نوع از خشونت علیه زنان، در اسناد و سازوکارهای مرتبط با محیط‌زیست و زنان توجه شایسته‌ای به آن نشده است. به نظر می‌رسد نهادهای رسمی ملل متحد و نیز دولت‌ها می‌بایست با وضع و توسعه قواعد متقن و نیز ایجاد سازوکارهای نظارتی جدی و کارآمد، زمینه توجه بازیگران بین‌المللی را به ابعاد پیدا و پنهان این پدیده فراهم سازند. همچنین پیکار با نابرابری جنسیتی و کاهش آن به‌عنوان زیربنای بی‌عدالتی زیست‌محیطی که از عوامل اصلی خشونت اکولوژیک علیه زنان محسوب می‌شود، در شمار بایسته‌هاست. افزون بر این، سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با حقوق زنان از یک سو و پاسداری از محیط‌زیست از سوی دیگر نیز، می‌توانند در این زمینه نقش مهمی ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها

خشونت علیه زنان، خشونت اکولوژیک، محیط‌زیست، تخریب محیط‌زیست، برابری جنسیتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. (نویسنده مسئول) دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه قم. قم. ایران. droitenviro@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه قم. قم. ایران. mousakarami136767@yahoo.com

مقدمه

دنیای امروز دنیایی است گران‌بار از تناقض. درحالی‌که انسان درزمینه علم و فن، پیشرفت‌هایی مجزه‌آسا کرده، از جهت «آدمیت آدمی» به یکی از سیاه‌ترین دوران‌هایش بازگشته است (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۲، ص ۲۲۳). جای تأسف بسیار است که در آغاز دهه سوم سده ۲۱ میلادی، همچنان باید با *جان استورات میل*، فیلسوف و اندیشمند نامدار بریتانیایی در سده ۱۹، هم‌آوا بود که تبعیض میان زن و مرد یکی از بزرگ‌ترین موانع پیشرفت بشر است (استورات میل، ۱۳۹۰، ص ۱۴). هم‌اکنون در نقطه به نقطه این کره خاکی که بنگریم، به‌گونه‌ای بسیار آشکار، نشانه‌های تلخ و گزنده خشونت و تبعیض و نابرابری علیه زنان را مشاهده می‌کنیم. متأسفانه «تاریخ حقوق بشر، ستیزی دائم در برابر سلطه انسان‌های دیگر است» (بن سعدون، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

این سلطه‌جویی آدمی است که پایانی ندارد و نه تنها در پاره‌ای مواقع به خون‌ریزی در میان هم‌نوعان او می‌انجامد، بلکه گریبان دیگر آفریدگان و هستی و طبیعت را نیز می‌گیرد. افزون بر بلاهای طبیعی، با سلطه‌خواهی آدمیان که گاهی به درگیری زیست‌محیطی می‌انجامد، در بیشتر مواقع، آسیب و نابودی محیط‌زیست از پیامدهای گریزناپذیر به شمار می‌رود و محیط‌زیست قربانی جاه‌طلبی و جنون آدمی برای سلطه بر دیگری می‌شود. جالب‌تر آن که این واقعیت، عامل و سببی است که به صورت بالقوه بر احتمال خشونت علیه زنان می‌افزاید؛ یعنی خشونت علیه زنان به واسطه آسیب و تخریب محیط‌زیست در خلال درگیری‌های زیست‌محیطی^۱ یا به تعبیری، خشونت اکولوژیک^۲ یا زیست‌محیطی.

خشونت اکولوژیک به اشکالی از خشونت و درگیری اشاره دارد که در نتیجه بحران محیط‌زیست در جوامع شکل می‌گیرد. درگیری‌های زیست‌محیطی یا درگیری‌های معطوف به مسائل زیست‌محیطی و اکولوژیک اغلب موجب بروز فرهنگ خشونت، [نابرابری] و نابرداری

-
1. Environmental conflicts
 2. Ecological violence

می‌گردد و در این میان، همچون همیشه، بیشتر گروه‌های آسیب‌پذیر و از جمله زنان و دختران قربانی خواهند شد (Lewicki, 2020, P. 65; Memon, 2020, P. 1; Thurston et al., 2021, P. 1; Lewicki et al., 2003, P. 11-35).

اشکال اصلی خشونت علیه زنان در زمان بحران‌ها و درگیری‌های زیست‌محیطی تنها محدود به سرقت و جرایم علیه اموال نمی‌شود. آزار روانی، آزار جنسی و تجاوز جنسی، خشونت باروری که می‌تواند با خشونت جنسی مرتبط باشد (مانند بارداری ناخواسته، سقط جنین، عوارض ناشی از حاملگی‌های پرخطر و بیماری‌های مقاربتی)، بهره‌کشی جنسی مهم‌ترین مواردی هستند که در این وضعیت‌ها گزارش شده‌اند. این جنایات می‌تواند اثرات منفی درازمدتی روی زنان داشته باشد و بر ترس و وحشت و احساس ناامنی آنان بیفزاید (C. Perry et al., 2010, P. 124).

«خشونت علیه زنان»^۱ یکی از مسائل شایع جوامع بشری است (افراسیابی و سجادی، ۱۳۹۳، ص ۶۰) و انواع گوناگونی اعم از جسمی، جنسی، روانی، عاطفی و ... را در بر می‌گیرد (شربتیان و طوافی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳). این پدیده هم در فضای برون‌خط و هم در فضاهای نوپدید اینترنتی و رایانه‌ای رخ می‌دهد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۶). نظر به اهمیت و بایستگی کندوکاو در انواع خشونت علیه زنان و ابعاد گوناگون آن و به‌ویژه پیگیری زوایای پنهان این پدیده شوم و سیاه‌برگ همیشگی تاریخ بشر، در این نوشتار تلاش شده است تا با به‌کارگیری شیوه‌توصیفی - تحلیلی و از چشم‌اندازی حقوقی، ضمن اشاره به نقش زنان در حفاظت از محیط‌زیست، اثرات تخریب و آلودگی محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان و به گفته‌ای دیگر، خشونت اکولوژیکی علیه زنان به‌عنوان یکی از اقسام پنهان خشونت علیه بانوان مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. در این راستا، پس از مفهوم‌شناسی مصطلحات و پیشینه پژوهش، نخست به نقش زنان در حفاظت از محیط‌زیست دست می‌یازیم، سپس به بازتاب پیوند زنان و محیط‌زیست در اسناد بین‌المللی می‌پردازیم و به‌عنوان سرانجام متن اصلی نوشتار، بررسی تأثیر آسیب و تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان را وجهه همت خویش قرار می‌دهیم.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

خشونت علیه زنان

از نظر لغوی، فرهنگ بزرگ سخن، خشونت^۱ را به معنای غضب، درشتی و تندی کردن (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶۹) و لغت‌نامه دهخدا آن را ضد لینت و نرمی (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹۸۳۲) تعریف کرده است (به نقل از قدیر و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۷). از نظر اصطلاح حقوقی، «اعلامیه ملل متحد در خصوص حذف خشونت علیه زنان»^۲، خشونت علیه زنان را چنین باز شناخته است: «هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که موجب ایراد یا احتمال ایراد آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی برای زنان و از جمله شامل تهدید به انجام چنین اقداماتی گردد و به وقوع اجبار یا محرومیت خودسرانه از آزادی، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی، منتج شود» (DEVAW, 1993: art. 1). «کمیته منع تبعیض علیه زنان»^۳ خشونت مبتنی بر جنسیت را چنین تعریف می‌نماید: «خشونت هدایت‌شده علیه یک زن به دلیل زن بودن وی که او را به طرز نامتناسبی^۴ متأثر می‌سازد» (CEDAW, 29 January 1992, para. 6). وفق ماده ۳ لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت جمهوری اسلامی ایران، خشونت «عبارت است از هر رفتار عمدی که بر زن به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه وی با مرتکب واقع می‌شود و می‌تواند موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا کرامت، شخصیت، حیثیت یا حقوق و آزادی‌های قانونی زن شود»؛ اگرچه نام این لایحه در اصلاحات قوه قضائیه بر آن به لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت تغییر پیدا کرد و تعریف مذکور از خشونت نیز از آن حذف گردید (کریمی و توحیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۸).

پیشینه

در زمینه موضوع این نوشتار، در نوشتگان حقوقی فارسی، مقاله یا کتابی مشاهده نشد که به صورت

1. Violence
2. UN Declaration on the Elimination of Violence against Women (1993) (DEVAW)
3. Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW)
4. Disproportionately

مستقل به رشته تحریر درآمده باشد. در جدیدترین نوشتگان انگلیسی، با چند منبع نسبتاً مرتبط روبرو می‌شویم که به اختصار، ایده اصلی آنها را از نظر می‌گذرانیم. سوار^۱ (۲۰۲۱) در مقاله خود، تخریب محیط‌زیست و تغییرات آب‌وهوایی را از نیروهای محرکه خشونت علیه زنان بومی به شمار می‌آورد و بر این باور است که این امر می‌تواند در نهایت صلح و امنیت بین‌المللی را نیز به مخاطره افکند. اچ. دسای^۲ و همکاران (۲۰۲۱) نیز در مقاله خویش به نقش تغییرات آب‌وهوایی در تشدید خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان می‌پردازند و آن را یکی از چالش‌های نوین فراروی حقوق بین‌الملل معرفی می‌کنند. همچنین ثارستن^۳ و همکاران (۲۰۲۱) مقاله خود را به تأثیر فجایع ناشی از بلایای زیست‌محیطی در خشونت علیه زنان و دختران اختصاص داده‌اند و باور دارند که در هنگام بروز فجایع زیست‌محیطی و بالایی طبیعی، زمینه افزایش خشونت علیه زنان بیش از پیش فراهم می‌گردد. افزون بر این، یوشیدا^۴ (۲۰۲۰) در مقاله خود، به پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه اصول مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در رابطه با مخاصمات مسلحانه اختصاص داده است و در استدلال اصلی نوشته خویش، باور دارد که هر اصلی راجع به حفاظت از محیط‌زیست در مراحل پیش، حین و پس از مخاصمه باید دستور کار زنان، صلح و امنیت شورای امنیت و نیز کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را به‌عنوان رویکردی کل‌نگر و یک‌پارچه در قبال حفاظت از محیط‌زیست در بر بگیرد.

در نوشتگان حقوقی فارسی، مقاله‌ای که مستقلاً به موضوع خشونت اکولوژیک علیه زنان و نقش تخریب محیط‌زیست در افزایش آن از چشم‌اندازی حقوقی پرداخته باشد، به رشته تحریر در نیامده است و نوشتار حاضر فتح‌بابی در این زمینه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد وجه تمایز این مقاله نسبت به پیشینه یادشده در بالا، پرداخت به نسبت منسجم به نقش زنان در

1. Csevar
2. H. Desai
3. Thurston
4. Yoshida

حفاظت از محیط‌زیست، سپس به بازتاب پیوند زنان و محیط‌زیست در اسناد بین‌المللی و بررسی تأثیر آسیب و تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان است.

زن؛ از ایزدبانوی (الهه) زمین تا پاسدار محیط‌زیست

پیوند زن با محیط‌زیست و طبیعت به شکلی است که از جمله در فلسفه هند، زن نماد طبیعت^۱ است (Asnani, 2021, P. 109). انسان‌ها همواره در طول تاریخ، در پی نمونه‌ای تکامل‌یافته‌تر از خود در همهٔ زمینه‌ها بوده‌اند تا راه زندگی خود را بر روال همان نمونه هموار کنند. این نمونه، گاه به صورت اسطوره‌ای در باورهای یک قوم جایگاهی خاص یافته بود که این حقیقت شناسه‌های فرهنگی یک ملت را نشان می‌دهد و گاه این اسطوره‌ها چنان در دل یک ملت راه یافته‌اند که به مرور به صورت خدایانی بزرگ در آمده و مورد ستایش و پرستش قرار گرفته‌اند. زن یکی از همین اسطوره‌هاست که به مرحلهٔ الهه بودن و خدایی رسیده و از جمله در ایران باستان اهمیت به‌سزایی یافته است (بیوک‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۸). بسیاری از خدایان سرزمین‌های خاورمیانه و خاور نزدیک، زن و دارای لقب ملکهٔ آسمان‌ها بوده‌اند. در اسطوره‌ها یا افسانه‌های باستانی مصری، سومری، بابلی، یونانی، چینی، استرالیایی و افریقایی، آفرینندهٔ جهان هستی و الههٔ زمین و آسمان زن بوده است. سومریان بر این باور بودند که کاتب یا نویسندهٔ پیام‌های آسمانی یک زن است. در اسطوره‌های زرتشتی ایران باستان از شش امشاسپند یا فرشتگان مقدس، سه فرشتهٔ بزرگ، زن بودند. یکی از این فرشتگان زن، دختر اهورامزدا بوده و مادر زمین لقب داشته است. آن‌هایتا یا ناهید در آیین زرتشت ابرفرشته‌ای است که نگهبانی از آب با اوست (اقبال، ۱۳۸۶، ص ۴۲-۴۴). زنان نقش مهمی در مدیریت منابع طبیعی در سطح خانواده و جامعه ایفا می‌کنند و در مقابل، بیشتر تحت تأثیر تخریب محیط‌زیست قرار می‌گیرند.

روی هم‌رفته، زنان در هر جامعه، یکی از ارکان بنیادین آموزش اولیهٔ کودکان، چه به لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و چه از نظر مسائل فرهنگی و زیست‌محیطی، به شمار می‌روند. به سخن دیگر، نخستین آموزش‌دهندگان در یک جامعه و آماده‌کنندگان یک نسل آگاه و

1. Prikriti= Nature

برخوردار از دانش برای ایجاد و فراهم نمودن بسترهای پیشرفت و توسعه در یک کشور و یک ملت، زنان‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد همین امر برای اینکه پیشرفت و توسعه فردی زنان یک جامعه را با پیشرفت و توسعه همه‌سویه آن کشور برابر (نیاقی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲۹) و دومی را در گرو اولی بدانیم، کفایت می‌کند. بر این پایه است که می‌توان نابرابری میان زنان و مردان را پدیده‌ای راهزن در پیشرفت جوامع دانست و چه راست گفته‌اند که «عظمت و قدرت یک تمدن را می‌توان با معیار قدر و قیمت و شأنی که مردان و زنان آن نظام متقابلاً برای یکدیگر دارند، سنجید» (بن سعدون، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰). بر این پایه، اگر نقش‌آفرینی زنان را در حفظ محیط‌زیست ضروری و اثرگذار بدانیم، نابرابری میان زن و مرد و تبعیض علیه زن به‌عنوان عواملی که زنان را از ایفای نقش مؤثر در جامعه بازمی‌دارد، بی‌گمان بر محیط‌زیست نیز تأثیراتی منفی بر جای می‌گذارند. به‌واقع، مشارکت، عدم تبعیض و توانمندسازی زنان و دختران با صلح‌سازی زیست‌محیطی پیوندی غیرقابل‌انکار دارند و صلح پایدار در بستر توسعه مترقیانه حقوق بین‌الملل، جز از رهگذر توجه ویژه و همه‌سویه به حقوق زنان و جنسیت دست‌نیافتنی است و تحقق آن شدنی نیست (Yoshida, 2020, P. 305).

محیط‌زیست، محل زیست انسان‌ها اعم از زن و مرد است و پاسداری از آن، زن و مرد نمی‌شناسد. با این حال، زنان به‌دلیل ویژگی‌های خاص خود، نقشی متفاوت در حفاظت و حمایت از محیط‌زیست بازی می‌کنند. در واقع دیدگاه غالب این است که زنان نسبت به رفتارهای زیست‌محیطی، نگرش و نگاه همدلانه‌تری دارند. به این معنا که پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه دغدغه‌های زیست‌محیطی در چند دهه گذشته نشان داده‌اند که زنان دغدغه‌های زیست‌محیطی بیشتری از خود نشان داده‌اند (McCright and Sundstrom, 2013, P. 64). زنان حیات‌بخش و پرورش‌دهنده انسان‌اند.^۱ اگر طبیعت نهفته در وجودشان همراه با آگاهی باشد، می‌توانند نقش بسیار کارآمدی در حل مشکلات انسان‌ساخت در منابع طبیعی ایفا

۱. شاید یادکرد این نکته خالی از لطف نباشد که در زبان‌گردی، زن را «نافر» می‌نامند: آفریننده! و به‌راستی که زنان، آفریننده و زاینده‌اند؛ اگر شاد باشند، شادی را؛ اگر آگاه باشند، آگاهی را و اگر اندوهگین باشند، اندوه را!

کنند (لاهیجیان و وسکویی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵). مطابق با یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته، زنان در پایداری محیط‌زیست نقش عمده‌ای دارند. زنان با توجه به نقش خود در عرصه‌های گوناگون، قادر به تأثیرگذاری بسیار بر محیط‌زیست هستند. در بسیاری از نقاط دنیا به‌ویژه نقاط روستایی، زنان از مهم‌ترین نیروهای درگیر در امر کشاورزی به شمار می‌روند و در نتیجه با محیط‌زیست پیوندی مستقیم دارند (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۵۳). جوامع سراسر جهان، زنان مدیریت آب، منابع سوخت و غذا و همچنین جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی را مستقیماً بر عهده دارند. زنان ۶۰ تا ۸۰ درصد مواد غذایی را در کشورهای در حال توسعه تولید می‌کنند؛ در حالی که قوانین ارث و آداب‌ورسوم محلی اغلب آنها را از مالکیت یا اجاره زمین و گرفتن وام یا بیمه باز می‌دارد. در اجلاس زمین سازمان ملل در سال ۱۹۹۲، «جنبش چپکو» در هند^۱ و «جنبش کمربند سبز کنیا»^۲، همگی نقش زنان و دیدگاه‌های زنان را در توسعه پایدار برجسته نمودند. برخی از صاحب‌نظران که می‌توان آنان را پیرو نظریه «برتری زنان در حفظ محیط‌زیست» دانست، بر این باورند که زنان به دلیل جنسیتشان، بهتر از مردان از محیط‌زیست خود محافظت می‌کنند (ممبینی و دهدشتی لسانی، ۱۳۹۳، ص ۱).

زنان در کشورهای در حال توسعه، عمدتاً مسئول مدیریت و حفظ منابع برای خانواده‌های خود هستند. زنان زمان زیادی را صرف جمع‌آوری و ذخیره آب، تأمین منابع سوخت، غذا و علوفه و مدیریت زمین می‌کنند؛ حال چه زمین‌های جنگل و تالاب و چه زمین‌های کشاورزی. از آنجایی که زنان مراقب اصلی کودکان، سالمندان و بیماران‌اند و این تکلیف بیشتر بر دوش آنها قرار دارد، کل جوامع به آنها متکی هستند. برای مثال، دانش سنتی و نسلی آنها از تنوع زیستی، داروها، تعادل تغذیه‌ای و روش‌های تناوب زراعی است که زنان در اختیار جوامع قرار می‌دهند.^۳ هنگامی که خشکسالی، بارندگی‌های نامنظم یا طوفان‌های شدید دسترسی به این

1. India's Chipko Movement
2. Kenya's Green Belt Movement

۳. برای بررسی بیشتر در این خصوص ر. ک. فتحی واجارگاه و فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۲.

منابع اولیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زندگی زنان و زندگی خانواده‌های آنها می‌تواند به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. در واقع، مطالعات نشان داده است که بلایای طبیعی به‌طور نامتناسبی به زنان ضربه می‌زند. کاهش نرخ امید به زندگی زنان و خشونت علیه زنان بیشتر از مردان، به‌ویژه در جایی که سطح برابری جنسیتی پایین است، در وضعیت بحران محیط‌زیست جدی است. به‌رغم آنکه زنان می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست و مصرف بهینه منابع داشته باشند، شوربختانه در روزگار کنونی نقش آنان در روندهای تصمیم‌گیری زیست‌محیطی چندان ملموس نیست. در سال‌های اخیر زنان نقش پررنگ‌تری در روندهای تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی بر دوش دارند، ولی ورودشان به عرصه تصمیم‌سازی و ارائه آموزش‌های لازم به آن، بالا بردن آگاهی‌های زیست‌محیطی و دادن اطلاعاتی در زمینه چگونگی تأثیرگذاری آن بر محیط‌زیست پیرامونشان، تا اندازه‌ای می‌تواند دست‌کم در سطح محیط زندگی به کاهش تخریب و آسیب به محیط‌زیست کمک نماید. افزون بر این، زنان این اطلاعات و آموزش‌ها را به فرزندان خود منتقل می‌کند و نسلی تربیت خواهد شد که در عرصه‌های گوناگون، حافظ محیط‌زیست و طبیعت خواهد بود. زنان در قیاس با مردان، عملاً اقدامات بیشتری در جهت حفاظت از محیط‌زیست و استفاده بهینه از منابع انجام می‌دهند و در زندگی روزانه خود بیشتر از مردان در راستای حفظ محیط‌زیست اقدام می‌کنند. بنابراین افزایش حضور زنان در روندهای تصمیم‌سازی زیست‌محیطی نه تنها آگاهی آنان را نسبت به مسائل زیست‌محیطی افزایش خواهد داد، بلکه می‌تواند با انتقال دانش و تجارب روزانه، آنها را به مشارکت فعالانه‌تر در برنامه‌های گوناگون ترغیب نماید و در کل، موفقیت طرح‌های حفاظت از محیط‌زیست را افزایش دهد (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۵۳ و ۵۴).

بازتاب پیوند زنان و محیط‌زیست در اسناد بین‌المللی

مسئله زنان در جهان قضیه تازه‌ای نیست و سالیان درازی است که دل‌مشغولی زنان جهان، به‌ویژه زنان کشورهای پیشرفته را موجب شده و اینک این دل‌مشغولی در زمان ما همه‌گیر گردیده است. اگر در سال‌های پایانی سده نوزدهم و آغازین سده بیستم میلادی این مسئله ذهن قشری از زنان نخبه در جهان صنعتی را به خود معطوف می‌داشت، از جنگ جهانی دوم

به این سو، جنبه‌های مردمی پیدا کرد و اندک‌اندک زنان بسیاری از قشرها و طبقه‌های اجتماعی گوناگون به آن توجه پیدا کردند و دامنه آن به کشورهای در حال توسعه نیز کشیده شد.^۱ جنبش زنان و تلاش برای کسب حقوق مدنی و اجتماعی از دغدغه‌های طبقه‌ای برگزیده یا نخبگان خارج شد و به صورت گره کور جامعه مدنی درآمد. بسیاری از قوانین و دکترین‌های گذشته که تنها و تنها برای کنار گذاردن زنان از صحنه‌های فعال جامعه مدنی تنظیم شده بودند، زیر سؤال رفتند و جامعه مردسالار دیگر نتوانست به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، باشد (بن سعدون، ۱۳۷۸، ص ۷ و ۸). در نتیجه زنان و نقش‌آفرینی آنان هم‌اکنون بخش جدایی‌ناپذیر بسیاری از حوزه‌های دانشی و از جمله حقوق بین‌الملل و شاخه‌های گوناگون آن است. با این حال، به‌رغم اهمیت نقش زنان در مسائل زیست‌محیطی و حفاظت از محیط‌زیست، بانوان و جنسیت جایگاه شایسته‌ای در اسناد ذی‌ربط حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ندارند.

در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، برخی از اسناد نرم و قوام‌یافته به نقش زنان در محیط‌زیست و پیوند محیط‌زیست و جنسیت پرداخته‌اند؛ از جمله به‌موجب اصل بیستم «بیانیه ریو راجع به توسعه و محیط‌زیست»،^۲ «زنان نیز در امر محیط‌زیست و توسعه نقش حساس و مهمی دارند و به همین دلیل، همکاری نامحدود آنها بسیار مؤثر است و استمرار توسعه را ممکن می‌سازد». در فصل ۲۴ «دستورکار ۲۱»^۳ نیز بر نقش زنان در توسعه پایدار تأکید شده

۱. برای نمونه، «دوره قاجاریه و مشروطه در تاریخ ایران، به دلیل تلاش برای تغییر نگاه جامعه به قشر زنان، از مهم‌ترین دوره‌ها به شمار می‌رود؛ زیرا در این برهه از تاریخ، مناسبات سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای با غرب برقرار شد و زمینه تبادل فرهنگی و تأثیرپذیری فکری ایرانیان از غربی‌ها و اروپایی‌ها به اوج خود رسید» (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸). در واقع «زنان با آغاز جنبش مشروطه‌خواهی، فضای ایجادشده در جامعه را برای مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود مناسب می‌بینند» (زنجانی‌زاده و باغدار دلگشا، ۱۳۹۴، ص ۶۲)؛ از این رو، چه‌بسا بتوان از عصر مشروطه به‌عنوان آغاز جنبش حقوق زنان در ایران یاد کرد.

2. The Rio Declaration on Environment and Development (1992)

3. Agenda 21 (1992)

است. مطابق این فصل، «زنان کشورهای فقیر بار ظالمانه‌ترین شرایط فقر را به دوش می‌کشند که شامل انجام سخت‌ترین و پست‌ترین کارها، درد زایمان و پریشانی حاصل از مرگ‌ومیر نوزادان نیز می‌گردد. به‌علاوه، آنها از تحقیر ناشی از موقعیت پست زندگی‌شان رنج می‌برند». در این فصل، دولت‌ها که عمدتاً از مردان تشکیل شده‌اند، تشویق شده‌اند تا «با مسئله زنان روبرو شوند، امکانات مساوی برای دختران در زمینه دسترسی به آموزش را فراهم آورند، از فشار کار بر دختران و زنان بکاهند، دستیابی به یک سیستم بهداشتی را که پاسخگوی نیازهای زنان باشد، میسر سازند و امکان اشتغال و مشارکت کامل زنان در زندگی اجتماعی، فرهنگی و عمومی را فراهم کنند. در صورت عدم مشارکت زنان، توسعه پایدار ممکن نیست». همچنین در مقدمه «کنوانسیون تنوع زیستی»^۱ بر نقش و کارکرد زنان و نیز شناخت نقش حیاتی زنان در حفظ و کاربرد صحیح تنوع زیستی و نیاز به مشارکت کامل زنان در کلیه سطوح سیاست‌گذاری و اجرایی برای حفاظت از تنوع زیستی تأکید شده است. افزون بر این، در مقدمه «کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی»^۲ «با ابراز نگرانی در مورد تأثیر بیابان‌زایی روی کشورهای درگیر در آسیای مرکزی و در ماورای قفقاز، با تأکید بر نقش مهم زنان در مناطق آسیب‌دیده از بیابان‌زایی و خشکسالی، مخصوصاً در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه و اهمیت اطمینان از مشارکت هم‌زمان مردان و زنان در تمامی سطوح در برنامه‌های بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشکسالی ...» تأکید شده است.

«موافقت‌نامه پاریس» (۲۰۱۵)^۳ تنها به صورتی مبهم و کاملاً پراکنده به برابری جنسیتی اشاره دارد؛ چنان‌که ناگفته پیداست: پیوند محیط‌زیست با زن و جنسیت در این اسناد توجه درخور دریافت نکرده و تنها به ذکر جزئی این پیوند در مقدمه یا بیان کلی و مبهم آن بسنده شده است؛ اگرچه در سیاق و ساحتی دیگر و در بافت عدالت جنسیتی، به پیوند میان زنان و جنسیت و

1. Convention on Biological Diversity (1992)
2. United Nations Convention to Combat Desertification (1994)
3. 2015 Paris Agreement

محیط زیست اشاراتی شده است. برای نمونه، «کمیته محو تبعیض علیه زنان»^۱ در توصیه نامه شماره ۳۷ خود راجع به «ابعاد مرتبط با جنسیت کاهش مخاطره بلایای طبیعی در بستر تغییرات اقلیمی»^۲، به افزایش احتمال قرار گرفتن زنان و دختران در معرض خشونت مبتنی بر جنسیت در بافت تغییرات اقلیمی و لزوم پیشگیری و مبارزه با آن تأکید ورزیده است (CEDAW, 13 March 2018, para. 5). همچنین به تازگی ۵ نهاد معاهداتی ناظر بر معاهدات حقوقی بشری بسیار مهم، شامل کمیته منع تبعیض علیه زنان، «کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^۳، «کمیته حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها»^۴، «کمیته حقوق کودک»^۵ و «کمیته حقوق اشخاص دارای معلولیت»^۶ در بیانیه ای مشترک به پیامدهای تغییرات آب و هوایی برای بهره مندی افراد از حقوق بشر و از جمله خشونت علیه زنان و دختران پرداخته و رویکرد ذی ربط کمیته منع تبعیض علیه زنان در توصیه نامه شماره ۳۷ این نهاد را مورد تصریح و تأکید قرار داده اند (CEDAW et al., 14 May 2020, P. 1-5). افزون بر آن، برنامه اقدام جنسیتی شماره ۳ / اتحادیه اروپا،^۷ به چالش های فراروی زنان در برابر تأثیرات تغییرات اقلیمی می پردازد و به ارائه توصیه هایی چند در این زمینه دست می یازد (European Commission, 25 November 2020, P. 18-19).

اسناد کنفرانس ۱۹۹۵ پکن، محل دیگری به شمار می روند که در این زمینه قابل پیگیری هستند. در سال ۱۹۹۲، کمیسیون مقام زن در قطعنامه شماره ۸/۶۳ پیشنهاد دولت چین را برای برگزاری کنفرانس در پکن قبول کرد و ضمن ایجاد مقدمات لازم در یک دوره سه ساله، سرانجام

1. Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW)
2. The Gender-Related Dimensions of Disaster Risk Reduction in the Context of Climate Change
3. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR)
4. Committee on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families (CMW)
5. Committee on the Rights of the Child (CRC)
6. Committee on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD)
7. EU Gender Action Plan III

چهارمین کنفرانس جهانی زنان از ۴ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ (۱۳ - ۲۴ شهریور ۱۳۷۴) در پکن، پایتخت چین، برگزار شد. در این کنفرانس گسترده که در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد برگزار شد، بیش از ۱۷۰۰۰ شرکت‌کننده، شامل نمایندگان ۱۸۹ کشور جهان (با احتساب دولت فلسطین) حضور داشتند و ظاهراً فقط دولت عربستان سعودی در آن حاضر نبود. از جمهوری اسلامی ایران نیز، هیئتی بالغ بر ۴۰ نفر از سازمان‌های غیردولتی شرکت داشتند (مهرپور، ۱۳۸۶، ص ۲۸۸). گزارش این کنفرانس متشکل از «اعلامیه پکن»^۱ و «بستر اقدام پکن»^۲ خشونت علیه زنان را حوزه‌ای موجد نگرانی مبرم می‌داند و آن را در بخش حقوق بشر خود می‌گنجاند (UN, 4-5 September 1995). بنابر نظر ارائه‌شده به دست گزارشگر ویژه ملل متحد در خصوص خشونت علیه زنان و علل و پیامدهای آن و نیز دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، تصویب اعلامیه و بستر اقدام پکن، گامی مهم در توسعه یک چارچوب جامع در سیاست‌گذاری بین‌المللی راجع به حقوق بشر زنان بود (UN Special Rapporteur on VAW and OHCHR, 2020, P. 1). موضوع زنان و محیط‌زیست یکی از ۱۲ حوزه مهم نگرانی است که در اعلامیه و بستر اقدام پکن شناسایی شده است. در گزارش این کنفرانس، تصریح شده است که تجارب و سهم زنان در ایجاد یک محیط‌زیست سالم از نظر اکولوژیکی، محور دستور کار سده بیست و یکم محسوب می‌شود (UN, 4-5 September 1995, P. 104-105, para. 251). بستر اقدام پکن سه هدف استراتژیک را برای اقدام دولت در مورد محیط‌زیست مشخص نموده است. این اهداف شامل مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی در همه سطوح، ادغام نگرانی‌ها و دیدگاه‌های آنها در سیاست‌ها و برنامه‌ها و ایجاد راه‌هایی برای ارزیابی تأثیر سیاست‌های توسعه و محیط‌زیست بر زنان است (UN, 4-5 September 1995, P. 108).

تأثیر تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان

پیوند مستقیم و بسیار تنگاتنگ زنان و محیط‌زیست و منابع طبیعی، که در بخش‌های پیشین

1. Beijing Declaration
2. Beijing Platform for Action

نوشتار به آنها پرداخته شد، این نتیجه بدیهی را به دنبال دارد که هرگونه آسیب و نابودی محیط‌زیست از هر رهگذری، بی‌گمان پیامدهایی منفی بر زنان خواهد داشت. برای نمونه، طبق پژوهش‌هایی که به‌تازگی انجام شده‌اند، تغییرات اقلیمی اگرچه همه جوامع و افراد را از خود متأثر می‌سازد، در این میان، زنان و دختران به‌دلیل وابستگی شدید خود به منابع طبیعی به‌سان برآیند نقش‌های سنتی خویش، بیشتر از این پدیده زیان می‌بینند و رنج می‌برند. روی هم رفته، زنان به‌سبب آسیب‌پذیری دیرینه خویش، از قربانیان اصلی رویدادهای منفی هستند؛ برای نمونه، می‌توان به افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان در دوران همه‌گیری ویروس کرونا اشاره کرد؛^۱ زیرا زنان هم به‌عنوان انسان و هم به‌دلیل جنسیت خود، در معرض خشونتی مضاعف قرار می‌گیرند. تغییرات اقلیمی نیز که محیط‌زیست و منابع طبیعی را از خود متأثر می‌نماید، از رهگذر ایجاد انقطاع در پیوند ژرف زنان و محیط‌زیست، تضعیف فزاینده جایگاه بانوان در جامعه را رقم زده است و از این طریق، موجب تشدید خشونت علیه زنان و دختران می‌گردد؛ امری بسیار مهم که شوربختانه در سه معاهده اختصاصی راجع به تغییرات اقلیمی، یعنی «کنوانسیون چارچوب ملل متحد راجع به تغییرات اقلیمی» (۱۹۹۲)،^۲ «پروتکل کیوتو» (۱۹۹۷)^۳ و «موافقت‌نامه پاریس» (۲۰۱۵)، به آن توجهی نشده است (H. Desai and Mandal, 2021, P. 137-151).

خشونت ناشی از بحران اکولوژی یا درگیری‌های زیست‌محیطی، می‌تواند منجر به تخریب بیشتر محیط‌زیست شود و تخریب بیشتر محیط‌زیست می‌تواند خشونت‌ها را گسترش دهد که همین چرخه به اصطلاح معیوب، می‌تواند بر سلامت و رفاه افراد تأثیر بگذارد. در این میان، زنان به

۱. تحقیقات به‌عمل آمده در ایالات متحده حاکی از افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی خشونت خانگی در دوران کروناست. همچنین طبق گزارش‌ها، میزان خشونت خانگی در چین به سه برابر موارد پیشین رسیده است و برآوردها دلالت بر این داشته که این میزان خشونت در برزیل ۴۰ تا ۵۰ درصد، در فرانسه ۳۰ درصد و در اسپانیا ۱۸ درصد رشد را تجربه کرده است (Guerra Lund et al., 2020, pp. 54-69; Sharifi et al., July 2020, P. 2367-2379).

2. 1992 United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

3. 1997 Kyoto Protocol

نسبت مردان، بیشتر آسیب خواهند دید؛ به عنوان مثال، آلودگی هوا اغلب با تضعیف وضعیت سلامت باروری زنان مرتبط است و کمبود منابع آب با توجه به نقش متفاوت زنان، بانوان را بیشتر آزار خواهد داد (World Health Organization, 2014, P. 6-15). تخریب محیط زیست و گسترش آن در کنار بلایای طبیعی زیست محیطی، تغییرات آب و هوایی منجر به خشکسالی و بیماری و قحطی و کمبود آب و نظایر آن، زنان را در برابر خشونت و بهره‌کشی آسیب پذیرتر می‌کند. جابجایی سرزمینی، استرس و ضربه‌ای که توسط بازماندگان بلایای طبیعی تجربه می‌شود، عوامل خطر را تشدید می‌کند؛ برای نمونه، طبق گزارش «دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر»^۱ پس از آن که دو طوفان گرمسیری در سال ۲۰۱۱ و *وانواتو* را درنوردید، مرکز مشاوره زنان «تانا»^۲ افزایش ۳۰۰ درصدی موارد جدید خشونت خانگی علیه زنان را گزارش کرد (OHCHR, 2011).^۴

در جنوب صحرای آفریقا، فقدان پوشش درختی ناشی از جنگل زدایی مداوم به این معنی است که حتی وقتی باران می‌آید و در زمین جاری می‌شود، خاک سطحی حاصلخیز را با خود می‌برد؛ در نتیجه زنان و دخترانی که بیش از ۷۰ درصد از جمع‌آوری آب را به عهده دارند، مجبورند برای به دست آوردن آن بیشتر و بیشتر سفر کنند. این سفر می‌تواند زمینه خشونت علیه آنان را فراهم نماید. سازمان ملل تخمین زده است که زنان در جنوب صحرای آفریقا، روزانه ۲۰۰ میلیون ساعت برای جمع‌آوری آب برای مصارف غذایی و کشاورزی یا ۴۰ میلیارد ساعت در سال صرف می‌کنند. جابجایی مردمان بومی در نتیجه تغییرات آب و هوایی و بلایای زیست محیطی نیز می‌تواند عواقب خشونت آمیزی برای زنان داشته باشد (UNICEF et al., May 2013, P. 19-41). نابرابری‌های جنسیتی در به‌کارگیری و حقوق مرتبط با زمین و منابع طبیعی، از شرایط موجود خشونت مبتنی بر جنسیت به شمار می‌روند (Castaneda Camey et al., 2020, P. 24).

1. Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR)

2. Vanuatu

3. Tanna

۴. برای مطالعه کامل این گزارش، ر. ک. https://pacific.ohchr.org/docs/idp_report.pdf

براساس تحقیقات و گزارش‌های «گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن»^۱ و «گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حقوق مردمان بومی»^۲ سلب مالکیت اجباری از سرزمین‌های اجدادی می‌تواند منجر به خشونت علیه زنان و دختران بومی به‌ویژه از جمله خشونت جنسی و حتی قتل و ناپدید شدن گردد (UN Special Rapporteur on VAW, 2009, P. 13-15; UN Inter-Agency Support Group on Indigenous Issues, June 2014, P. 1; Human Rights Council, 6 August 2015, P. 60

شاید گفته شود که هیچ ارتباط مستقیمی بین محیط‌زیست و افزایش خشونت علیه زنان وجود ندارد؛ اما باید توجه داشت که عوامل و درگیری‌های خشونت‌آمیز و نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم و آسیب‌پذیری براساس عواملی مانند جنسیت و قومیت و ماهیت استثماری و اساساً نابرابر منابع، درگیری‌ها بر سر این نابرابری‌ها را بیشتر می‌کند و بنابراین آسیب‌پذیری زنان در برابر خشونت را افزایش می‌دهد. به دیگر سخن، وضعیت‌ها و ساختارهای نابرابر در بهره‌برداری از طبیعت، سایر وضعیت‌های نابرابر را هم تشدید خواهند نمود (Csevar, 2021, P. 4). درگیری‌ها بر سر محیط‌زیست و منابع طبیعی اغلب منجر به افزایش فضای پرخطر برای زنان می‌شود. ناتوانی پرسنل امنیتی در حفاظت از منابع و افراد و اشخاص غیرنظامی نیز وضعیت را تشدید می‌کند؛ به‌عنوان مثال، در هفتم آوریل ۲۰۰۸، پلیس سه زن را که در جنگل پس از ربوده شدن مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفته بودند، نجات داد؛ لذا خشونت مرتبط با جنسیت یکی از آثار و عواقب درگیری‌ها بر سر منابع طبیعی و محیط‌زیست است (C. Perry et al., 2010, P. 127). در آفریقا، زنان همچنین از تاجران مهم منابع زیست‌محیطی در مناطق روستایی هستند. رقابت بر سر منابع و قیمت‌گذاری گاهی اوقات می‌تواند تضاد مبتنی بر جنسیت ایجاد کند؛ برای نمونه، ماهیت جنسیتی درگیری‌های شیلات گرمسیری رقابت بر سر قیمت در غنا را نشان می‌دهد. بر این اساس، درحالی‌که

-
1. UN Special Rapporteur on Violence against Women, Its Causes and Consequences
 2. UN Special Rapporteur on the Rights of Indigenous Peoples

ماهی گیران ادعا می کنند تاجران زن قیمت عادلانه ای برای صید ارائه نکرده اند، زنان ادعا دارند ماهی گیران در مورد ارزش صید، غیرواقعی عمل می کنند (C. Perry et al., 2010, P. 129).

سازماندهی های نهادی زنان برای اعتراض به تخریب محیط زیست در آفریقا در همین راستا شکل گرفته است. «جنبش کمربند سبز»^۱ در کنیا یک سازمان معروف است که به دست *وانگاری ماآتای*^۲ برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۴ تأسیس شد. این سازمان در سال ۱۹۷۷ تحت نظارت شورای ملی زنان در کنیا بر پا گردید و زنان فقیر در کنیا را برای مبارزه با جنگل زدایی و تخریب محیط زیست سازماندهی می کند. نمونه دیگر، جنبش های مقاومت تحت رهبری زنان برای درختکاری تجاری در جنوب شرقی کامرون است. این مقاومت به این دلیل به وجود آمد که بیشتر هزینه های اجتماعی و زیست محیطی تجارت بین المللی چوب بر جمعیت روستایی و به ویژه زنان در مناطق روستایی بار می شود که به منابع جنگلی برای تهیه نفت، دارو و سایر محصولات غیرچوبی متکی هستند (C. Perry et al., 2010, P. 132).

یافته های پژوهش

پیوند زن و محیط زیست و منابع طبیعی به شکلی است که در فلسفه هند و ایران باستان، زن را نماد طبیعت و زاینده دانسته اند. ویژگی های منحصر به فرد زنان و زنانگی ایشان نقش و توانمندی بالقوه متمایزی به آنها در پاسداری از محیط زیست بخشیده است و همین امر رابطه ای مستقیم و دوسویه ای میان محیط زیست از یک سو و زن از سوی دیگر، ایجاد می کند. بر این پایه، زن از رهگذر جایگاه محوری خود در راهبری امور تربیتی فرزندان و خانواده و در نتیجه جامعه، هم نگاهبان ویژه محیط زیست و منابع طبیعی به شمار می رود و هم زندگی و بودن او با محیط زیست و منابع طبیعی پیوندی بس تنگاتنگ دارد. بر اساس همین تحلیل است که می توان به جرئت مدعی شد: هرگونه آسیب و تخریب محیط زیست و منابع طبیعی به هر شکل

1. Green Belt Movement
2. Wangari Maathai

و طریقی، چه از رهگذر بلاای طبیعی و چه در نتیجه بلاای انسانی همچون عفریته جنگ و مخاصمات مسلحانه، جایگاه و موقعیت زن در خانه، خانواده و جامعه را مخدوش می‌سازد و منزلت و حقوق انسانی او را به گونه‌ای منفی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از پیامدهای منفی آسیب و تخریب طبیعی یا انسانی محیط‌زیست و منابع طبیعی برای زنان، بروز انواع خشونت‌ها علیه اوست که به‌طور خلاصه می‌توان از آن به خشونت اکولوژیک علیه زنان یاد کرد. گونه‌ای از خشونت مبتنی بر جنسیت که به واسطه ماهیت به‌نسبت پنهان خود، کمتر توجهات را به خود جلب می‌کند و همین سرشت ناپیداست که بر مخاطرات آن می‌افزاید.

ولی این همه ماجرا و پایان آن نیست؛ همچنان‌که آسیب و تخریب محیط‌زیست می‌تواند زمینه‌ساز خشونت علیه زنان گردد، خشونت اکولوژیک علیه زنان نیز می‌تواند با از میدان به دردن و از کار انداختن زنان به‌عنوان بازوان قدرتمند آفرینش در پاسداری از محیط‌زیست و منابع طبیعی، موجبات آسیب و تخریب جدی‌تر و بیشتر آنها را فراهم آورد و سبب پدید آمدن چرخه‌ای گردد که زن و محیط‌زیست را هم‌زمان در ورطه‌ای خطرناک افکنده، آینده جهان را با سیری قهقرایی روبرو سازد؛ چرخه‌ای که از رهگذر ایراد خدشه جدی به دو نیازمندی‌گريزناپذیر و ناگسستنی نسل‌های آینده و جهان پیش‌رو، یعنی محیط‌زیست به‌عنوان بستر زندگی نوع بشر و دامن زن به‌عنوان نخستین و اصلی‌ترین جایگاه پرورش و آموزش فرزندان به‌عنوان سازندگان آینده جوامع، لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به بار می‌آورد؛ خسروانی مضاعف که پیامدهای آن دامن‌گیر نسل‌های کنونی و آینده جهان است و خواهد بود و در صورت عدم رویارویی سریع، منطقی و همه‌جانبه با آن، خواب خوش پیشرفت و توسعه پایدار را از دیده چشم‌به‌راهان آنها خواهد ربود. افزون بر این، نابرابری جنسیتی و تبعیض مبتنی بر جنسیت در ساختار جوامع، همه اجزا و حوزه‌های گوناگون آنها را درگیر کرده است؛ از جمله در بهره‌مندی از محیط‌زیست و منابع طبیعی نیز ما شاهد این نابرابری‌ها و بیدادگری‌ها هستیم. از آنجایی که خشونت علیه زنان در کل، ناشی از نابرابری میان زنان و مردان است و نظر به اینکه یکی از عوامل مهم بروز خشونت اکولوژیک علیه زنان نیز بی‌عدالتی زیست‌محیطی علیه بانوان به شمار می‌رود که خود ریشه در

نابرابری ساختاری علیه زن در جوامع کنونی دارد، بی‌گمان یکی از راهکارهای گریزناپذیر و بی‌چون‌وچرای چیرگی بر این نوع خشونت را باید رفع و کاهش حداکثری این عامل زیربنایی در بروز خشونت علیه خانم‌ها دانست. تنها از این رهگذر است که در کنار تلاش همه‌سویه برای حراست از محیط‌زیست طبیعی به‌عنوان بستر زیست و زندگی نوع بشر، می‌توان به نقش‌آفرینی جدی زنان و دختران به‌مثابه پاسداران همیشگی طبیعت امیدوار بود. اسطوره‌ها (برخلاف افسانه‌ها که کمتر به واقعیت نزدیک‌اند) با اندکی بزرگ‌نمایی ریشه در واقعیات تاریخی جهان دارند و زن به‌عنوان نماد طبیعت در فلسفه و ایزدبانوی زمین در اسطوره‌شناسی، اسطوره‌ای است که می‌بایست جایگاه شایسته خود را در جامعه به‌طور کل و در حوزه محیط‌زیست و مسائل زیست‌محیطی به‌طور خاص، بازیابد. پرورش نسل‌های مسئولیت‌پذیر و دوستدار محیط‌زیست فقط در دامن مادرانی شدنی است که ارجمندی و منزلت آنها نخست به‌عنوان انسان و سپس به‌سان زن پاس داشته شود.

نظر به اهمیت و بایستگی پرداخت ویژه به مقوله دهشتناک و خانمان‌سوز خشونت اکولوژیک علیه زنان که از یک سو ارجمندی زن و جایگاه والای او را نشانه رفته و از سوی دیگر، آسیب و تخریب فزاینده محیط‌زیست و منابع طبیعی را از رهگذر حذف پاسداران اصلی و مهم آن، یعنی زنان، به‌نظاره نشسته است، به نظر می‌رسد نهادهای رسمی ملل متحد و نیز دولت‌ها می‌بایست با وضع و توسعه قواعد متقن و نیز ایجاد سازوکارهای نظارتی جدی و کارآمد، زمینه توجه بازیگران بین‌المللی را به ابعاد گوناگون پیدا و پنهان این مسئله فراهم نمایند. در این میان، به هیچ روی نباید نقش سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با حقوق زنان از یک سو و پاسداری از محیط‌زیست از سوی دیگر را از یاد برد. هم‌افزایی همه‌سویه هر آن که می‌تواند در این زمینه نقشی مثبت ایفا کند، در شمار بایسته‌های حتمی است و ضرورتی بس مبرم دارد.

منابع

- استوارت میل، جان (۱۳۹۰). *انقیاد زنان*. ترجمه علاءالدین طباطبایی. تهران: انتشارات هرمس. چاپ سوم.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۲). *ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم*. تهران: یزد/ آرمان. چاپ چهارم.

- افراسیابی، علی و سجادی، لیلا (۱۳۹۳). «پاسخ‌های پلیس به خشونت علیه بانوان در محیط‌های اجتماعی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و کانادا)». *مطالعات پلیس زن*، ۲۱ (۱۳۹۳)، ص ۶۰ - ۷۷.
- اقبالی، مهدی (۱۳۸۶). *زنان در تاریخ کهن ایران*. تهران: پردیسان.
- اکبری، محسن (۱۳۹۱). «نقش زنان در توسعه پایدار محیط‌زیست». *زن در توسعه و سیاست*، ۴ (۱۰)، ص ۲۷ - ۵۶.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- بن سعدون، نای (۱۳۷۸). *حقوق زن از آغاز تا امروز*. ترجمه گیتی خورسند. تهران: انتشارات کویر.
- بیوک‌زاده، صبا (۱۳۹۱). «مباحث حقوقی زن در ایران باستان (با اشاره‌هایی بر زن در شاهنامه)». *زن و فرهنگ*، ۱۲ (۳)، ص ۳۷ - ۴۸.
- جعفری، زینب؛ جعفری، علی و فرامرزیانی، سعید (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای پیام‌های خشونت‌آمیز علیه زنان در کانال‌های تلگرامی استان اردبیل». *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۸ (۱)، ص ۴۵ - ۷۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- زنجانی‌زاده، هما و باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه (با تأکید بر روزنامه زبان زنان)». *مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۶)، ص ۶۱ - ۷۹.
- شربتیان، محمدحسن و طوافی، پویا (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن». *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۱ (۵)، ص ۲۱۸ - ۱۹۳.
- فتحی و اجارگا، کورش و فرمینی‌فراهانی، محسن (۱۳۸۲). *دانش زیست‌محیطی زنان برای توسعه پایدار*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قدیر، محسن، مهدوی، زهرا و ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۷). «حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی (واکاوی اسناد نسل‌های چهارگانه محاکم بین‌المللی کیفری)». *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۲۳ (۶۹)، ص ۵ - ۳۰.
- کرمی، موسی و توحیدی، احمدرضا (۱۳۹۹). «حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر: با اشاره به رویکرد نظام حقوقی ایران». *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۲۵ (۷۳)، ص ۲۱۵ - ۲۳۹.
- لاهیجیان، اکرم‌الملوک و وسکویی، نرگس (۱۳۹۵). «بررسی توانمندی زنان روستایی در حفظ محیط‌زیست». *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۴ (۱۸)، ص ۱۶۳ - ۱۷۵.
- مرادی، ایوب (۱۳۹۴). «شعر زاله قائم‌مقامی و دفاع از حقوق زنان». *پژوهش‌نامه زنان*، ۳ (۶)، ص ۱۴۷ - ۱۶۱.

- ممبینی، ایمان و دهدشتی لسانی، معصومه (۱۳۹۳). «نقش زنان در حفاظت از محیط‌زیست تبیین مفهومی و تجربی جنسیت و رفتارهای زیست‌محیطی». اولین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۶). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. تهران: اطلاعات، چاپ دوم.
- نیای، امید (۱۳۹۸). «نقش زنان و توانمندسازی آنان در توسعه پایدار زیست‌محیطی». *مطالعات علوم محیط‌زیست*، ۲(۴)، ص ۱۳۲۸ - ۱۳۳۹.
- Asnani, Bhawana (2021). "Eco-Feminism: Women as Environment Conservationist". In: Vinsa Manjramkar, Shakun Mishra, Vinod Kumari and Dipali L. Barate (eds.), *Agricultural Science: Research and Reviews*, Maharashtra: Bhumi Publishing.
 - Castaneda Camey, Itza; Sabater, Laura; Owren, Cate & Boyer, A. Emmett (2020). *Gender-Based Violence and Environment Linkages*. Gland: IUCN.
 - C. Perry, Edwin; Potgieter, Cheryl & Bob, Urmilla (2010). "Environmental Conflicts and Women's Vulnerability in Africa". *African Journal on Conflict Resolution*, 10(2), P. 121-136.
 - CEDAW (18 March 2018). *General Comment No. 37 on the Gender-Related Dimensions of Disaster Risk Reduction in the Context of Climate Change*. CEDAW/C/GC/37.
 - Csevár, Szilvia (2021). "Voices in the Background: Environmental Degradation and Climate Change as Driving Forces of Violence against Indigenous Women". *Global Studies Quarterly*, 1(3), P. 1-11.
 - European Commission (25 November 2020). *EU Gender Action Plan (GAP) III- An Ambitious Agenda for Gender Equality and Women's Empowerment in EU External Action*. Available at: https://ec.europa.eu/international-partnerships/system/files/join-2020-17-final_en.pdf.
 - Guerra Lund, Rafael; Manica, Scheila and Manica, Giselle (2020). "Collateral Issues in Times of Covid-19: Child Abuse, Domestic Violence and Femicide". *Revista de Odontologia Legal*, 7(2), P. 54-69.
 - H. Desai, Bharat and Mandal, Moumita (2021). "Role of Climate Change in Exacerbating Sexual and Gender-Based Violence against Women: A New Challenge for International Law". *Global Law and Policy*, 51, P. 137-157.
 - Human Rights Council (6 August 2015). *Report of the Special Rapporteur on the Rights of Indigenous Peoples*. A/HRC/30/41.
 - Lewicki, Roy; Gray, Barbara & Elliott, Michael (eds.) (2003). *Making sense of Intractable Environmental Conflicts: Concepts and Cases*. 4th edition, Washington D. C.: Island press.

- M. McCright, Aaron and Sundstrom, Aksel (2013). "Examining Gender Differences in Environmental Concern in the Swedish General Public, 1990-2011". *International Journal of Sociology*, 43(4), P. 63-86.
- Memon, Falak Shad (2020). "Climate Change and Violence against Women: Study of a Flood-Affected Population in the Rural Area of Sindh, Pakistan". *Pakistan Journal of Women's Studies*, 27(1), P. 65-85.
- OHCHR (2011). *Protecting the Human Rights of Internally Displaced Persons in Natural Disasters: Challenges in the Pacific (Report)*. Available at: https://pacific.ohchr.org/docs/IDP_report.pdf .
- Sharifi, Farangis; Larki, Mona and Latifnejad Roudsari, Robab (July 2020). "Covid-19 Outbreak as Threat of Violence against Women". *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 8(3), P. 2376-2379.
- The United Nations Inter-Agency Support Group on Indigenous Issues (June 2014). *Thematic Paper on the Elimination and Responses to Violence, Exploitation and Abuse of Indigenous Girls, Adolescents and Young Women*. Available at: https://www.un.org/en/ga/69/meetings/indigenous/pdf/IASG%20Thematic%20Paper_%20Violence%20against%20Girls%20and%20Women%20-%20rev1.pdf.
- Thurston, Mari Alyssa; Stockl, Heidi & Ranganathan, Meghna (2021). "Natural Hazards, Disasters and Violence against Women and Girls: A Global Mixed-Methods Systematic Review". *BMJ Global Health*, 6, P. 1-21.
- UN (Sept. 4-15, 1995). *Report of the Fourth World Conference on Women*. Fourth World Conference on Women, Beijing. UN Doc A/CONF.177/20/Rev.1; full report available at <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing>.
- UN General Assembly (18 December 1979). *Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*.
- _____ (20 December 1993). *Declaration on the Elimination of Violence against Women (DEVAW)*.
- UN Special Rapporteur on Violence Against Women; Its Causes and Consequences (2009). *15 Years of the United Nations Special Rapporteur on Violence Against Women; Its Causes and Consequences*. Available at: <https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/15YearReviewofVAWMan date.pdf>
- UN Special Rapporteur on Violence Against Women; Its Causes and Consequences and Office of the High Commissioner for Human Rights (2020). *25 Years in Review of the Beijing Platform for Action*. Available at: [ohchr.org/Documents/Issues/Women/SR/Booklet_BPA.pdf](https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/SR/Booklet_BPA.pdf)
- UNICEF, UN Women, UNFPA, ILO & OSRSG/VAC (May 2013). *Breaking the Silence against Indigenous Girls, Adolescents and Young Women; A Call to Action Based on an Overview of Existing Evidence from Africa, Asia Pacific and Latin America*. New York: UNICEF.

- World Health Organization (2014). *Gender, Climate Change and Health (Report)*. Available at: http://apps.who.int/iris/bitstream/handle/10665/144781/9789241508186_eng.pdf;jsessionid=60D44B4EB99A97BC263533E6AA5EF612?sequence=1
- Yoshida, Keina (2020). "The Protection of the Environment: A Gendered Analysis". *Goettingen Journal of International Law*, 10(1).

